

نشریه علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره هفتم، پاییز- زمستان ۹۲، صفحات ۱- ۲۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۰/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۱۷

مطالعه تطبیقی تأثیر تقصیر زیان دیده بر مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و کامن لا

علیرضا پوراسماعیلی^۱

چکیده

قاعده تقصیر زیان دیده در حقوق رم یک دفاع کامل تلقی می‌شد و عامل ورود زیان با توسل بدان می‌توانست از مسئولیت مدنی به‌طور کامل معاف گردد. پس از آن، این قاعده خشک و سخت به نظام‌های حقوقی رومی- ژرمنی و کامن لا راه یافت و تا کنون در نظام حقوقی کامن لا و به‌ویژه انگلستان همچنان به حیات خود ادامه داده و یک دفاع کامل به شمار می‌آید، ولی در ایالات متحده، رویه قضایی طی سالیان متمادی توانسته قاعده تقصیر زیان دیده را تعدیل کند و یا در برخی ایالت‌های ایالات متحده، قانون‌گذار با تصویب قوانین جدید این قاعده را حذف کرده است و قاعده تقصیر مقایسه‌ای جایگزین آن شده است.

قاعده تقصیر زیان دیده به مفهوم رومی و حتی انگلیسی آن بی‌شبهت با قاعده اقدام در فقه نیست و همانند قاعده تقصیر زیان دیده، اقدام نیز مسقط ضمان دانسته می‌شود. با این‌همه باید دید آیا تقصیر زیان دیده و یا اقدام زیان دیده همیشه یک دفاع کامل و مسقط ضمان به شمار می‌رود و یا آنکه سبب تقسیم مسئولیت می‌گردد و در این صورت، مسئولیت چگونه تقسیم خواهد شد.

واژگان کلیدی: تقصیر زیان دیده، قاعده اقدام، حقوق کامن لا، تقسیم مسئولیت.

۱- مقدمه

مطالعه تاریخی نظام‌های حقوقی غربی روشن می‌سازد که خطا یا تقصیر زیان‌دیده در آغاز مانع گرفتن خسارت توسط زیان‌دیده بوده است و این موضوع در حقوق رم به‌وضوح دیده می‌شود. در حقوق رم چنانچه خطای زیان‌دیده و دیگری باعث بروز خسارت می‌گردید زیان‌دیده نمی‌توانست جبران خسارت خود را از عامل مقصر بخواهد و در واقع، تقصیر زیان‌دیده باعث معافیت کامل عامل ورود زیان، از مسئولیت می‌گردید و زیان‌دیده مقصر به‌تنهایی باید خسارت‌ها را متحمل می‌شد.

با پیشرفت اقتصادی جوامع و توسعه آنها اندک‌اندک، رویه قضایی در حقوق کامن‌لا و به‌ویژه ایالات متحده به اندیشه تعدیل این قاعده افتاد و حتی در برخی ایالت‌های ایالات متحده، قانون‌گذار به این نتیجه رسید که خطای زیان‌دیده نباید مانعی بر سر راه مسئول دانستن خطاکار به‌شمار رود و هرکس باید زیان ناشی از عمل زیان‌بار خود را جبران سازد.

مفاد قاعده تقصیر زیان‌دیده در حقوق اسلامی نیز وجود دارد و در قاعده «اقدام» متبلور است، ولی آیا این بدان معناست که در فقه در همه موارد اقدام زیان‌دیده به ضرر خود مانع جبران خسارت او می‌گردد و او را از مطالبه خسارت محروم می‌سازد یا اینکه اقدام زیان‌دیده در کنار تقصیر دیگری موجب تقسیم مسئولیت می‌گردد. با وجود این، تقسیم مسئولیت در صورتی که اقدام یا تقصیر زیان‌دیده و تقصیر دیگری موجب بروز خسارت شده باشد چگونه خواهد بود؟

۲- تقصیر زیان‌دیده در نظام‌های حقوق غربی

۲-۱- نظام حقوقی کامن‌لا: در نظام حقوقی کامن‌لا، قاعده تقصیر زیان‌دیده که از آن به قاعده «تقصیر مشترک»^۱ یاد می‌شود، پیشینه‌ای در حدود یک قرن دارد. این قاعده نخستین بار در حقوق رم، مطرح و مورد استناد قرار گرفت و به قاعده همه یا هیچ (The Roman all-or-nothing approach) معروف گشت؛ زیرا به باور رومیان یا تقصیر کاملاً

1 - Contributory Negligence

به خواننده منتسب است و او باید همه خسارات وارده به خواهان را جبران سازد و یا آنکه تقصیر به هیچ وجه به خواننده منتسب نیست و خواننده کاملاً از پرداخت خسارت بری است و حالت میانه‌ای نیز قابل تصور نیست. در واقع، رومیان فقط به پاسخ‌گویی به این پرسش بسنده می‌کردند که آیا خسارت فقط ناشی از خطای خواهان است و یا خواننده. بنابراین به باور آنان خواهان و خواننده در وقوع خسارت نمی‌توانستند نقش مشترک داشته باشند (Zimmermann, 1990, 1010).

پس مطابق قاعده، زیان دیده‌ای که تقصیر او در پیدایش خسارت نقش داشته است، حق جبران خسارت را ندارد؛ زیرا رابطه سببیت میان فعل عامل و خسارت وجود ندارد و عمل زیان‌بار زیان دیده رابطه سببیت را گسسته است. بنابراین چون خسارت منتسب به فعل خود زیان دیده است و فعل زیان دیده به‌طور مستقیم در بروز خسارت نقش داشته است، تقصیر مشترک سبب معافیت کامل عامل ورود زیان از جبران خسارت خواهد بود (James, 1953, 693; Bohlen, 1908, 233).

زمان پیدایش این قاعده در حقوق کامن‌لا نیز خود مورد اختلاف است؛ برخی از نویسندگان، پیدایش این قاعده را در نظام کامن‌لا به سال ۱۸۰۹ می‌دانند که در دعوای باتر فیلد علیه فارستر^۱ قاضی با استناد به این قاعده رأی داد و در سال ۱۸۲۴ در ایالات متحده آمریکا در پرونده اسمیت علیه اسمیت^۲ (James, 1953, 691) و بنا به گفته برخی دیگر قاعده تقصیر مشترک نخستین بار در دعوای براون علیه کندال^۳ در سال ۱۸۵۰ مورد استناد قرار گرفته است (Golobardes and Pomar, 2009, p. 49).

در دعوای باتر فیلد علیه فارستر، خواننده دعوا به منظور تعمیر خانه خود، الواری در کوچه گذاشته، راه را بسته بود، ولی الوار همه پهنای کوچه را سد نکرده بود و راه برای عبور باز بود. خواهان در حدود ساعت ۲۰ ماه اوت که هوا تاریک و روشن بود و ساکنان محله باید چراغ‌های خود را روشن می‌کردند از کاباره‌ای نزدیک به محل حادثه بیرون آمده، سوار بر

1- Butterfield v. Forrester, 11 East. 60, 103 Eng. Rep. 926 (Court of King's Bench 1809).

2 - Smith v. Smith, 19 Mass. (2 Pick.) 621(1824).

3 - Brown v. Kendall, 60 Mass. (6 Cush.) 292, 296 (1850).

اسب در حال گذر از کوچه با الوار وسط کوچه تصادف کرد و بر اثر سقوط از اسب مجروح گردید. هیچ دلیل و قرینه‌ای دال بر مستی خواهان در میان نبود و افزون بر این، بنا به اظهار گواه پرونده، الوار از فاصله صدمتری دیده می‌شد و به دلیل سرعت زیاد، مصدوم الوار را ندیده است و اگر زیان دیده سرعت نداشت می‌توانست آن را ببیند. به‌هرحال پس از اقامه دعوی خواهان علیه خوانده، دادگاه با توجه به اینکه خواهان مانند یک اسب‌سوار محتاط و معقول رفتار نکرده و با سرعت بیش از حد متعارف اسب را می‌رانده است، خواهان را مستحق دریافت خسارت ندانست (استون، ۱۳۵۰، ۲۰۵ - ۲۰۶؛ Schwartz, 1978, 698).

بنابراین با صدور این حکم ناعادلانه، نظریه یا قاعده تقصیر مشترک به‌عنوان یک دفاع کامل یا عامل رافع مسئولیت مطرح شد که خوانده با توسل بدان از جبران خسارت کاملاً معاف می‌گردید و در نتیجه، همه خسارت بر زیان دیده تحمیل می‌شد بی‌آنکه به سهم تقصیر خوانده در وقوع حادثه توجه شود. در واقع حتی اگر تقصیر زیان دیده سبک می‌بود و خطای او سهم اندکی در وقوع خسارت داشت باز هم خوانده از جبران خسارت معاف دانسته می‌شد.

البته این قاعده بسیار خشن و ظالمانه، اندک‌اندک تعدیل شد و رویه قضایی در کامن‌لا توانست دامنه آن را محدود سازد. نخستین گامی که دادگاه‌ها برای کاستن از خشونت و تعدیل قاعده تقصیر مشترک برداشتند، ابداع قاعده آخرین فرصت^۱ بود (Mikell, 1920, 377). مطابق این قاعده کسی که آخرین فرصت احتراز از خطر و بروز حادثه را داشته، ولی در اثر تقصیر خود آن فرصت را از دست داده است، مسئول جبران خسارت خواهد بود. این قاعده برای اولین بار در دعوی دیویس علیه مان^۲ به سال ۱۸۴۲ م مطرح شد: خواهان، الاغ خود را در کنار جاده‌ای به عرض ۸ متر پا بسته برای چریدن رها و خودش هم محل را ترک کرده بود. کالسکه سه‌اسبه خوانده هنگام فرود آمدن یا سرعت زیاد از یک سراسیمه ملایم - بنا به اظهارات شاهد - با الاغ تصادف کرد و آن را کشت. پس از اقامه دعوی صاحب الاغ برای جبران خسارت، دادگاه خوانده را محکوم به پرداخت خسارت کرد؛ زیرا به باور دادگاه با

1- Last Clear Chance

* این نظریه در حقوق انگلیس به نظریه «Last Opportunity» معروف است.

2- Davies v. Mann, 10 M & W 546(1842).

آنکه خواننده هنگام بروز حادثه، آخرین فرصت واقعی برای اجتناب از ضرر را داشته از آن استفاده نکرده است. بنابراین علی‌رغم تقصیر خواهان، خواننده به دلیل آنکه علت مستقیم و بی‌واسطه^۱ حادثه به شمار می‌آید مسئول دانسته شد (استون، ۱۳۵۰، ۲۰۸-۲۱۰، کاتوزیان، ۱۳۸۱، ۱۰۸-۱۰۹). در واقع در این دعوا بر رابطه سببیت توجه شد و از آنجا که عمل زیان‌دیده در وقوع خسارت تأثیر مستقیمی داشت و تأثیر عمل عامل را به حاشیه راند، زیان‌دیده مستحق دریافت خسارت دانسته نشد؛ زیرا خود عامل مستقیم و بی‌واسطه حادثه به شمار آمد^۲ (Schofield, 1890, p. 267). بدین ترتیب بر اساس قاعده، خواهان یا زیان‌دیده همواره مستحق دریافت خسارت از مقصر است مگر آنکه ثابت شود زیان‌دیده در وقوع خسارت نقش مستقیم داشته است (James, p.696).

این قاعده گرچه راهی برای تعدیل قاعده پیش‌گفته بود خود نیز خالی از اشکال نبود؛ از این رو در حقوق انگلیس قانون‌گذار به وضع قانون همت گمارد و نخست در سال ۱۹۱۱ «قانون کنوانسیون‌های دریایی^۳» را وضع کرد که درباره تصادف کشتی‌ها در دریاست و بالاخره در سال ۱۹۴۵ با تصویب قانون اصلاحی تقصیر مشترک^۴ راه‌حل مذکور در قانون کنوانسیون دریایی به این قانون راه یافت که خسارت بر پایه درجه تقصیر هریک از عاملان ورود زیان تقسیم می‌شود.

به‌موجب بند اول ماده ۱ قانون: «در موردی که شخص در اثر تقصیر خود و دیگری متحمل زبانی شود، دعوای ضرر و زیان فرد مزبور به دلیل تقصیر زیان‌دیده منتفی و ملغی نمی‌گردد، بلکه زیان‌های قابل وصول در حدی که دادگاه با توجه به سهم مدعی از مسئولیت (میزان مداخله و تأثیر تقصیر مدعی در ورود زیان) عادلانه و منصفانه بداند کاسته خواهد شد^۵» (Fridman, 1990, p. 326; Padfield, 1986, p. 228).

1 - Proximate Cause

2 - Injute non remota sedproximna causa spectator: the plaintiff cannot recover because he is himself the proximate cause of the injury.

3 - Maritime Convention Act

4 - Law Reform (Contributory Negligence) Act 1945

5 - "Where any person suffers damage partly as a result of his own fault, and partly as a result of the fault of any other person or persons, a claim in respect of that damage shall not be defeated by reason of the fault of the person suffering the damage, but the damages recoverable in respect

با این همه، امروزه اثبات تقصیر مشترک، همیشه یک دفاع کامل به شمار نمی‌آید و دادگاه‌های انگلستان برآنند که تقصیر شخص، دیگری را از رعایت احتیاط و مراقبت متعارف نسبت به مقصر معاف نمی‌سازد. بدین ترتیب رویه قضایی در انگلستان با محدود کردن گستره قاعده تقصیر مشترک بر آن است که گاهی خواننده در قبال دیگران و گاهی در برابر خود، متعهد به مراقبت است؛ بنابراین در صورتی که دو نفر در حال حرکت به سوی هم باشند به گونه‌ای که احتمال تصادف و برخورد آن دو برود هرکدام از آنان وظیفه دارند که با دقت و مراقبت حرکت کنند. افزون بر این هنگامی که فردی کنار جدول ایستاده است و می‌خواهد از خیابان عبور کند باید این موضوع را هم در نظر بگیرد که در عبور از عرض خیابان احتمال تصادف و برخورد هم وجود دارد؛ پس باید احتیاط و مراقبت متعارف را مبذول داشت (Fridman, p. 558; Bohlen, 1908, 245).

قاضی دنینگ از قضات انگلستان در این باره بر آن است: «هنگامی که مردی به خیابان قدم می‌گذارد تعهدی که در مقابل خود دارد تعهد به مراقبت از امنیت خود است. پس اگر خیلی خوب مراقب خود نباشد به خاطر تقصیر مشترک محکوم می‌شود. در واقع در این مهم، پرسش واقعی این نیست که آیا شاکی از تکلیف قانونی خود تخطی کرده است یا نه بلکه پرسش این است که آیا او مانند یک انسان معقول از خود مراقبت متعارف را به عمل آورده است یا نه» (Harvey, 222).

نظریه تقصیر مشترک در پایان دهه ۱۹۶۰ و آغاز دهه ۱۹۷۰ در ایالات متحده آمریکا به سرعت تعدیل شد و در سال ۱۹۷۴ این نظریه جای خود را به نظریه «تقصیر مقایسه‌ای»^۱ داد و امروزه این نظریه در بسیاری از ایالت‌های این کشور حاکم است و این ایالت‌ها یا با تصویب قوانین جدید و یا در رویه قضایی خود به حیات نظریه تقصیر زیان‌دیده پایان داده‌اند، درحالی‌که از اکتبر ۱۹۸۹ در ایالت‌های کارولینای شمالی^۲، آلاباما^۳، مریلند^۴، ویرجینیا

thereof shall be reduced to such extent as the court thinks just and equitable having regard to the claimant's share in the responsibility for the damage...".

1 - Comparative Negligence

2 - North Carolina

3 - Alabama

4 - Maryland

^۱ و واشنگتن دی سی^۲، نظریه تقصیر مشترک هنوز هم در دادگاه‌ها مورد استناد قرار می‌گیرد (Golobardes & Pomar, 2009, 51).

۲-۲- حقوق آلمان و فرانسه: در دو کشور آلمان و فرانسه که از حقوق رم نیز متأثر هستند، به‌جای استفاده از اصطلاح «Contributory Negligence» در متون قانونی اصطلاح دیگری به کار رفته است. به‌عنوان نمونه در آلمان اصطلاح «Contributory Fault» که بار معنایی وسیع‌تری دارد در قوانین به کار رفته است؛ زیرا به باور برخی از صاحب‌نظران، اصطلاح تقصیر مشترک در حقوق کامن‌لا هیچ تمایزی میان تقصیر عمدی و غیرعمدی و نیز تقصیر و قصور نمی‌گذارد و صرفاً تقصیر را در بر می‌گیرد، درحالی‌که این اصطلاح در حقوق آلمان، قصور و تقصیر را در بر می‌گیرد. افزون بر این و مهم‌تر اینکه اصطلاح مطرح در حقوق آلمان ناظر به اقدامات زیان‌دیده پیش و پس از وقوع خسارت است و نقش این اقدامات در وقوع خسارت را می‌نمایاند به‌ویژه اگر زیان‌دیده پس از وقوع خسارت با کاهلی میزان خسارت و گستره آن را افزایش داده باشد، درحالی‌که تقصیر مشترک به معنایی که در کامن‌لا آمده است چنین بار معنایی ندارد (Markesinis & Unberath, 2002, 905).

مطابق ماده ۲۵۴ قانون مدنی آلمان (BGB) که نگاهی مدرن‌تر از نگاه سنتی در حقوق کامن‌لا به نقش تقصیر زیان‌دیده در مسئولیت مدنی دارد، چنانچه تقصیر زیان‌دیده و دیگری در وقوع خسارت نقش داشته باشد با توجه به اوضاع و احوال و به‌ویژه با توجه به نوع خسارتی که طرف مقابل وارد آورده است حکم به جبران خسارت می‌شود (Zimmermann, 1990, 1048). بر این اساس اگرچه قانون مدنی آلمان مقصر را از جبران خسارت معاف نمی‌سازد، ولی از توجه به خطای زیان‌دیده و نقش آن در مسئولیت مدنی غفلت می‌ورزد و بدون توجه به تقصیر زیان‌دیده در مسئولیت، همه بار مسئولیت را بر دوش طرف مقابل می‌گذارد (Markesinis & Unberath, 2002, 905).

اصطلاح تقصیر زیان‌دیده در حقوق فرانسه با توجه به ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی باعث

1 - Virginia

2 - Washington, D.C

کاهش جبران خسارت می‌شود. البته برخی برآنند که قوانین خاصی در زمینه حوادث رانندگی به تصویب رسیده که گاه کاهش جبران خسارت را منوط به آن کرده‌اند که زیان دیده مرتکب تقصیر سنگین شده باشد. بنابراین گرچه قوانین پیش‌گفته اجرای قاعده تقصیر زیان دیده را تعدیل کرده، آن را کاملاً حذف نکرده است (ژوردن، ۱۳۸۲، ۳۵، وینه و ژوردن، ۱۳۸۴، ۹۹-۱۳۱؛ وینه و ژوردن، ۱۳۸۸، ۳۳۰-۳۳۵ و برای مطالعه حقوق دیگر کشورها بنگرید: کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۱، ۵۰۳-۵۰۵).

۳- مقایسه تقصیر زیان دیده با نهادهای مشابه

قاعده تقصیر زیان دیده از یک سو با تقصیر مقایسه‌ای و از سوی دیگر با رضایت زیان دیده به خطر یا پذیرش خطر مشابهت دارد که در ادامه بررسی می‌شود.

۳-۱- مقایسه تقصیر زیان دیده با تقصیر مقایسه‌ای: تفاوت نظریه تقصیر زیان دیده با تقصیر مقایسه‌ای در این است که در تقصیر زیان دیده فقط به تقصیر زیان دیده اعم از سبک یا سنگین توجه می‌شود و در نتیجه زیان دیده از دریافت خسارت محروم می‌گردد و اصلاً به تقصیر خوانده اعم از سبک و یا سنگین توجه نمی‌شود، پس بر اساس نظریه تقصیر زیان دیده، زیان دیده با ارتکاب تقصیر از دریافت هرگونه خسارت محروم می‌گردد و از این رو به آن قانون همه یا هیچ اطلاق می‌گردد؛ زیرا فعل زیان دیده رابطه سببیت میان تقصیر خوانده و زیان را از بین برده است، درحالی که در تقصیر مقایسه‌ای بر اساس نقش تقصیر خواهان و خوانده در وقوع خسارت حکم صادر می‌گردد و بر اساس آن هرکس باید تاوان تقصیر خود را بدهد. در واقع بر اساس نظریه تقصیر مقایسه‌ای به تأثیر تقصیر خواهان و خوانده در وقوع توجه می‌شود و نخست دو تقصیر با یکدیگر مقایسه شده، آن گاه میزان تأثیر هریک از تقصیرها در وقوع خسارت سنجیده می‌گردد و با توجه به سهم هر تقصیر در وقوع خسارت، حکم به جبران خسارت‌ها داده می‌شود. البته این نظریه نیز شاهد تعدیلاتی بوده و دو نظریه از دل آن بیرون آمده است: «نظریه تقصیر مشترک مطلق و تعدیل شده»^۱ (Golobardes & Pomar, 2009, 52, Kratzke, 2012, 16).

۲-۳- مقایسه تقصیر زیان‌دیده با قاعده رضایت به خطر^۱: منظور از قاعده رضایت زیان‌دیده، این است که اگر زیان‌دیده با آگاهی و به اراده خود، اقدام به انجام کاری مثلاً مخاطره‌آمیز می‌کند، پس از وقوع خسارت حق مطالبه خسارت وارد به خود را ندارد. به‌عنوان نمونه فرد با علم و آگاهی از مست بودن راننده، سوار ماشین او می‌شود و حتی راننده مست را تشویق و تحریک می‌کند تا با سرعت بیشتر حرکت کند. بنابراین اگر در اثر تصادف چنین مسافری متحمل خسارتی بشود نمی‌تواند آن را از راننده مست مطالبه کند. بدین ترتیب گاه ممکن است این دو قاعده در یک مورد؛ مانند جایی که خواهان برخلاف متعارف خسارت را می‌پذیرد کاملاً بر هم منطبق باشند، ولی با یکدیگر یکسان نیستند (Prosser, 1971, 441). و نباید این دو قاعده را یکسان دانست؛ زیرا:

الف) قاعده تقصیر زیان‌دیده یک دفاع جزئی است که به‌موجب آن خواننده تا اندازه‌ای که دادگاه منصفانه می‌بیند از جبران خسارت معاف می‌گردد، درحالی‌که رضایت زیان‌دیده، یک دفاع کامل است و به‌موجب آن خواننده از جبران خسارت کاملاً معاف می‌گردد و زیان‌دیده هم نمی‌تواند با اقامه دعوا نارضایتی خود را از خسارت نشان دهد^۲ (Harpwood, 2009, 473, Harvey & others, 200).

امروزه رویه قضایی به‌هنگام ترجیح یکی بر دیگری، نظریه تقصیر زیان‌دیده را بر نظریه رضایت زیان‌دیده ترجیح می‌دهد. به‌دیگر سخن هنگامی که اعمال قاعده تقصیر زیان‌دیده با رضایت زیان‌دیده مشتبه باشد، قاضیان تمایل به اعمال قاعده تقصیر زیان‌دیده دارند و می‌پذیرند که هر دو در بروز خسارت تقصیر داشته‌اند و به قدر متیقن بسنده می‌کنند. البته در مواردی هم قاعده رضایت زیان‌دیده اعمال نمی‌گردد (Harpwood, 473).

ب) مطابق قاعده رضایت زیان‌دیده، زیان‌دیده آگاهانه، عامدانه و به اختیار خود خطر را می‌پذیرد، ولی در تقصیر زیان‌دیده با قصور و کوتاهی خود موجب خسارت می‌گردد. مثلاً اگر مسافری با توجه به حالات راننده سوار تاکسی شود و به راه خود ادامه دهد و در اثر تصادف

۱ - قاعده پذیرش خطر (Assumption of risk) معادل «Volenti non fit injuria» است.

۲ - Morris v. Murray (1990) 3 A 11 ER344, Court of appeal.

مسافر و راننده هر دو مصدوم شوند، مسافر به استناد رضایت به خطر از گرفتن خسارت محروم می‌گردد.

ج) در قاعده رضایت زیان دیده، زیان دیده متعهد به رعایت مراقبت و مواظبت نیست و اصلاً زیان دیده بدون مراقبت و مواظبت تن به خطر می‌سپارد، درحالی که در قاعده تقصیر زیان دیده زیان دیده باید مواظبت و مراقبت لازم را به عمل آورده باشد (James, 698; Bohlen, 1908, 245-246 و اسماعیل آبادی و رضوی، ۱۳۸۶، ۶۱-۸۲).

۴- نحوه تقسیم مسئولیت

در صورتی که اسباب متعدد در بروز خسارت سهیم باشند نظریه‌های متعددی ابراز شده است که هر کدام پیروانی دارد و در نظام‌های حقوقی موجود پذیرفته شده، اجرا می‌شود. در صورتی هم که تقصیر زیان دیده در کنار تقصیر عامل ورود زیان در بروز خسارت نقش داشته در آن سهیم باشد مسئله تقسیم و نحوه توزیع خسارت مطرح می‌گردد که در این باره معیارهای زیر مطرح شده است:

۴-۱- تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تقصیر: تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تقصیر در بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده و از مقبولیت بسیاری برخوردار است و حتی در ماده ۱۶۵ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳ نیز اعمال می‌شود. این معیار در حقوق فرانسه نیز تنها درباره تصادفات دریایی اعمال می‌شود و در قانون ۵ ژوئیه ۱۹۳۴ و ۵ ژوئیه ۱۹۶۷ فرانسه آمده است. مطابق این معیار، میزان مسئولیت هریک از اسباب بر اساس درجه تقصیر معین می‌شود و در صورت عدم امکان تعیین درجه تقصیر، خسارت به تساوی تقسیم می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۴، ۱۳۳).

قانون مدنی جدید مصر هم در ماده‌های ۱۶۹ و ۲۱۶ زمینه این نظریه را پدید آورده است که در صورت تعدد مسئولان، مسئولیت بر اساس درجه تقصیر مسئولان تقسیم می‌گردد و به تعداد نفرات توجه نمی‌شود مگر آنکه شدت تقصیر مسئولان برابر باشد که در این صورت خسارت‌ها به صورت مساوی بین مسئولان تقسیم می‌شود. رویه قضایی در مصر

نیز در هم راستا حرکت می‌کند (سنهوری، ۱۳۸۴، ج ۲، ۱۲۳-۱۲۵).

۲-۴- تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تأثیر: پیشتر گذشت که در حقوق انگلیس با تصویب قانون اصلاحی تقصیر زیان دیده ۱۹۴۵ میلادی به دادگاه اختیار داده شد تا با لحاظ میزان مشارکت زیان دیده در ایجاد ضرر، مطابق عدل و انصاف حکم به کاهش جبران خسارت دهد. با وجود این، دادگاه‌ها در خصوص تقسیم مسئولیت میان عامل ورود زیان و زیان دیده، رویه‌های متفاوتی اتخاذ کرده‌اند؛ برخی راه حل تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر را برگزیده‌اند و برخی هم از شیوه تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تقصیر دفاع کرده‌اند. شایان ذکر است که مصادیق قاعده زیان دیده خود را بیشتر در دعوی رانندگی و به‌ویژه در مورد نبستن کمربند و یا نگذاشتن کلاه ایمنی و سوار شدن بر اتومبیلی که راننده آن مست است مطرح شده است:

در دعوی فروم و دیگران علیه باچر^۱ خواهانی که کمربند ایمنی خود را نبسته بود با خوانده تصاف کرد و در اثر این تصادف و نبستن کمربند ایمنی بر روی شیشه جلو اتومبیل پرت شد و از ناحیه سر و سینه صدمه دید. در این دعوا، دادگاه بدوی پس از دادخواهی خواهان به تقصیر زیان دیده و نقش آن در خسارت توجه نکرد، ولی دادگاه استیناف میان سبب حادثه یا بی‌احتیاطی خوانده و تقصیر زیان دیده تفاوت گذارد و بنابراین، ادعای خواهان برای جبران خسارت را تا ۲۵ درصد کاهش داد. به باور قاضی دنینگ^۲ غفلت شاکی در نبستن کمربند ایمنی جراحات او را تشدید کرده است و چون زیان دیده در توجه به ایمنی خود مانند یک فرد متعارف رفتار نکرده است و بی‌احتیاطی کرده به‌خاطر ارتکاب تقصیر مشترک از دریافت ۲۵ درصد خسارت محروم می‌گردد.

بنابه اظهارات قاضی دنینگ باید سه حالت را از یکدیگر متمایز ساخت: ۱- اگر نبستن کمربند ایمنی تأثیری در خسارات وارده بر زیان دیده نداشته باشد، تقصیر زیان دیده نقشی در کاهش خسارت نخواهد داشت، ۲- اگر بستن کمربند موجب کاهش خسارات وارده به

1 - *Froom v. Butcher* [1976] 1 QB 286.

2 - Denning

زیان دیده باشد، ۱۵ درصد از خسارات باید کاهش یابد و خواننده مستحق ۱۵ درصد نخواهد بود، ۳- اگر بستن کمر بند مانع تحقق خسارت باشد، ۲۵ درصد خسارت کاهش می یابد و خواننده نسبت به دریافت آن مستحق نخواهد بود. بنابراین در این گونه موارد باید زیان دیده را تا ۲۵ درصد مسئول دانست و از دریافت ۲۵ درصد خسارت محروم کرد؛ از این رو قاضی حکم خود را بر این حقیقت مبتنی می سازد که «هر کس می داند یا باید بداند» که هنگام نشستن در ماشین باید کمر بند ایمنی خود را ببندد، مگر در موارد استثنایی مانند افراد چاق یا زنان باردار (Harvey, 223- 224, Harpwood, 471) در دعوی اوکنل علیه جکسون^۱ موتور سوار بدون کلاه ایمنی در تصادف با خواننده از ناحیه سر به شدت آسیب دید، ولی دادگاه ادعای خواهان را ۱۵ درصد کاهش داد (Harpwood, 471, Padfield, 228).

در دعوی اونز علیه بریمل^۲ خواهان و خواننده برای نوشیدن یک نوشیدنی به ماشین خواننده رفته، تمام عصر را به نوشیدن آب جو گذراندند و بیش از حد معمول نیز نوشیدند و با همان حال به سوی منزل به راه افتادند و در راه ماشین به تیر چراغ برق خورده، خواهان که کمر بند ایمنی را نبسته بود جراحات سنگینی برداشت، ولی قرینه ای وجود نداشت که نشان دهد بستن کمر بند ایمنی در افزایش و تشدید جراحات نقش داشته است. باین همه دادگاه، خواهان را به دلیل آن که دانسته با راننده ای مست راه پیموده و در واقع به دلیل آنکه زیان دیده و دیگری هر در وقوع خسارت نقش داشته اند، زیان دیده را از دریافت ۲۰ درصد خسارت محروم کرد (Harvey, 226).

در دعوی دیگری که زیان دیده مست به اتومبیلی سوار می شود که راننده آن مست است، دادگاهها با توجه به تقصیر زیان دیده حکم به جبران خسارت داده اند، (Harpwood, 471)^۳ البته این بدان معنا نیست که در موارد دیگر، دادگاهها به تقصیر زیان دیده استناد نکرده اند و فقط مصادیق قاعده منحصر به موارد پیش گفته است. در دعوی مطرح شده دیگر هم که زیان دیده برخلاف آموزش های داده شده عمل کرده و به این دلیل متحمل خساراتی شده دادگاهها زیان دیده را به دلیل تقصیر مشترک از دریافت خسارت محروم دانسته اند

1 - O'Connell v. Jackson [1971] 3 WLR 463.

2- Owens v. Brimmell [1976] 3 All E.R. 765.

3- Stinton v. Stinton [1993] PIQR P135, Donelan v. Donelan [1993] PIQR P205.

(Harvey, 221 - 222).^۱

علی‌رغم اینکه در حقوق هند، قانونی مانند انگلستان راجع به تقصیر زیان‌دیده وضع نشده است، دادگاه‌ها در عمل بر اساس عدالت و انصاف حکم می‌دهند. به‌عنوان نمونه: مسافری که سوار اتوبوس می‌شود و در پله‌های در اتوبوس می‌ایستد چنانچه هنگام دور زدن اتوبوس، راننده ترمز بگیرد و مسافر به بیرون پرت شده، بمیرد بازماندگان متوفی مرتکب تقصیر مشترک نمی‌توانند جبران کامل خسارت را بخواهند (Murthy, 1991, 52 - 55).

نکته پایانی اینکه در حقوق ایران نیز تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تأثیر در بند ۲ ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی پذیرفته شده است که مقرر می‌دارد: «در مورد ماده ۱۲ هرگاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند در این مورد میزان مسئولیت هریک از آنان با توجه به نحوه مداخله هریک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد».

۳-۴- تقسیم مسئولیت به تساوی: این معیار تقسیم در حقوق ایران از اقبال بیشتری برخوردار بوده و پیشینه‌ای فقهی و تاریخی دارد. قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۶۵ به این مهم چنین اشاره می‌کند: «هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند، به‌طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود» (بنگرید: کاتوزیان، ۱۳۵-۱۴۰؛ کاظمی، ۱۳۲-۱۳۵ و جنیدی، ۸۲-۸۴). دیوان عالی کشور در مقام ایجاد وحدت رویه، صرف استناد عرفی خسارت به خطاکار را کافی دانسته، میزان تأثیر تقصیر طرفین در وقوع خسارت را نادیده می‌انگارد، درحالی‌که به باور دادگاه‌های بدوی حکم به پرداخت خسارت به‌صورت مساوی ناظر به جایی است که «امکان تعیین درصد تقصیر وجود نداشته باشد و مستند محکومیت فقط استناد خسارت به عمل هر دو نفر باشد». بنابراین رویه قضایی امروزه میزان تأثیر و تقصیر مقصران را نادیده می‌انگارد و صرف استناد عرفی خسارت به اطراف دعوا را کافی می‌داند و معلوم نمی‌سازد که فایده ارجاع به کارشناسی چیست. رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخه ۱۳۹۰/۲/۶ در این زمینه چنین مقرر می‌دارد:

1- Jones v. Livox Quarries [1952] 2 QB 608(Swan v Swan).

«بر حسب مستفاد از ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی، هر گاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه عمومی منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آنها گردد، مسئولیت هریک از رانندگان در صورت تقصیر- به هر میزان که باشد- به نحو تساوی خواهد بود».

بالاخره، بر اساس ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هریک از رانندگان مسئول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است». البته در لایحه قانون مجازات اسلامی ماده ۵۲۸ به گونه دیگری تدوین شده بود که با ایراد شورای نگهبان به صورت کنونی درآمد. مطابق ماده ۵۳۲ لایحه: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده و مساوی یا نامعلوم بودن میزان تأثیر، هریک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هریک از رانندگان، مسئول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن خواهد بود».

تبصره- چنانچه میزان تأثیر طرفین برخورد متفاوت باشد، با تشخیص کارشناس هریک به میزان تأثیر ضامن خواهد بود».

بدین ترتیب در لایحه قانون مجازات اسلامی اصل تساوی مسئولیت فقط ناظر به جایی بود که طرفین به یک اندازه در وقوع خسارت نقش داشته باشند و یا میزان تأثیر نامعلوم باشد، در غیر این صورت بر اساس میزان تأثیر تقصیر طرفین یا اطراف دعوا در وقوع خسارت، حکم صادر می‌گردد که تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید و رأی

وحدت رویه پیشین در برخی از دادگاه‌ها نیز میزان تأثیر تقصیر ملاک قرار می‌گرفت و همان‌گونه که در تبصره ماده ۵۲۸ لایحه نیز آمده، میزان تأثیر تقصیر در وقوع خسارت با ارجاع به کارشناس معلوم می‌گردد. باین‌همه رأی وحدت رویه و نیز قانون مجازات اسلامی جدید اصل تساوی را ملاک قرار داده‌اند که این نگرش ریشه در فقه دارد و مشهور نیز هست که چنانچه چند نفر در بروز خسارت سهیم باشند، همگی به‌طور مساوی ضامن هستند که درستی این دیدگاه در ادامه بررسی می‌شود.

۵- تقصیر زیان‌دیده در حقوق اسلامی

در حقوق اسلامی قاعده تقصیر زیان‌دیده گرچه به‌عنوان یک مبحث مستقل در کتاب‌های فقهی مطرح نشده است، ولی این بدان معنا نیست که فقیهان بدان نپرداخته‌اند.

قاعده اقدام در فقه به لحاظ تاریخی وضع مشابهی با قاعده تقصیر یا خطای مشترک دارد؛ زیرا در فقه نیز قاعده اقدام از مسقطات ضمان است و اقدام زیان‌دیده موجب معافیت کامل عامل زیان می‌گردد. به‌عنوان نمونه در صورتی که خریدار با علم به اینکه با فضول معامله می‌کند و مال را از مالک حقیقی نمی‌خرد، حق مطالبه خسارات را از فضول نخواهد داشت و یا اگر فردی مال خود را به کودک یا دیوانه بسپارد و کودک یا دیوانه، کالا را تلف کند مالک حق رجوع به متلف کودک یا دیوانه را نخواهد داشت؛ زیرا مالک به زیان خود اقدام کرده است. بنابراین قاعده اقدام هنوز هم در فقه یک دفاع مطلق و کامل تلقی می‌شود (المراغی، ۴۲۵، ۲، ۴۸۸-۴۹۲). و جایی که اقدام زیان‌دیده با تقصیر دیگری موجب پیدایش خسارت می‌گردد در قاعده اقدام بررسی نمی‌شود.

امروزه برخی از استادان حقوق برآنند که دامنه اقدام را نباید به آنچه که فقیهان پرداخته‌اند محدود کرد. به باور این دسته از صاحب‌نظران درست است که به‌طور سنتی قاعده اقدام ناظر به جایی است که اقدام زیان‌دیده علت منحصر در بروز خسارت به شمار می‌آید، ولی باید دامنه آن را گسترش داد تا جایی را که تقصیر زیان‌دیده به تقصیر دیگری گره خورده، این دو باهم موجب پیدایش خسارت می‌گردد را هم در برگیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱، ۵۰۲-۵۰۳ و ۳۰۶). بنابراین ارائه چنین تفسیری از قاعده اقدام موجب گسترش دامنه آن

می‌گردد و در هر مورد باید حکمی جداگانه داد؛ جایی که اقدام زیان‌دیده علت منحصر در وقوع خسارت است زیان‌دیده برای جبران خسارت حق رجوع ندارد و خودش باید تاوان کار خود را بدهد و در واقع، اقدام مسقط ضمان است، ولی در جایی که تقصیر زیان‌دیده در کنار تقصیر دیگری موجب بروز خسارت می‌گردد زیان‌دیده نسبت به اندازه‌ای که خطای خودش در بروز مسئولیت دخالت نداشته حق رجوع به مقصر شریک دارد. بدین ترتیب بر پایه این تفسیر از اقدام، اشتراک در مسئولیت که در فقه مطرح می‌گردد طبق قاعده اقدام توجیه می‌گردد؛ چه استناد به هر دو نظریه روشن می‌سازد که خسارت منتسب به یک عامل نیست (حکمت نیا، ۱۳۸۶، ۲۱۶ - ۲۱۷).

نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که امروزه منظور از تقصیر، رفتار خارج از متعارف است و بنابراین صرف اینکه عرفاً زیان منتسب به فعل زیان‌کار باشد موجب مسئولیت فرد خواهد بود و ضمان کار چنین فردی بر دوش دیگری قرار نخواهد گرفت. پس منظور از تقصیر زیان‌دیده این است که عرف زیان را منتسب به فعل زیان‌دیده و دیگری بیابد؛ یعنی طبق داوری عرف عمل زیان‌دیده در کنار عمل دیگری موجب خسارت شده باشد و صرف انتساب عمل به عاملان برای ضمان کافی خواهد بود. برپایه دیدگاهی که در فقه نیز پیروان سرشناسی دارد صرف انتساب عمل به خطاکار، موجب ضمان است.

البته، نگاهی به آراء فقیهان روشن می‌سازد که فقیهان در لابه‌لای مباحث خود به موضوع تقصیر زیان‌دیده پرداخته و آن را بررسی کرده‌اند و حتی به باور برخی از صاحب‌نظران، مفهوم تقصیر مشترک و نحوه توزیع خسارت میان عاملان ورود خسارت از دوره صحابه (امام علی (ع)) به فقه راه یافته است و فقیهان از دیرباز با آن آشنا بوده‌اند (سراج، ۱۴۱۰، ۲۶) که در ادامه برخی از مصادیق مطرح در اندیشه فقیهان مذاهب شیعه و سنی بررسی می‌شود.

۱-۵- فقه اهل سنت

مصادیقی که در ادامه ارائه می‌شود از نگاه صاحب‌نظران اهل سنت است و برخی از صاحب‌نظران اهل سنت آشنا با حقوق مدرن و به‌ویژه حقوق کامن‌لا با ارائه این‌گونه

مصادیق، حقوق اسلامی و نهادهای آن را با نهادهای مشابه در کامن‌لا مقایسه کرده و با اشاره به پویایی حقوق اسلامی، بدان بالیده‌اند.

۱-۵-۱- ماجرای قامصه: سه دختر در بازی با هم به نوبت بر پشت هم سوار می‌شوند. هنگامی که یکی از آنان بر پشت دیگری سوار می‌شود دختر سوم، دختر سواری دهنده را غلغلک می‌دهد. دخترک از جا در رفته که در نتیجه، آن دیگری از پشتش می‌افتد و گردنش شکسته و می‌میرد. امام علی (ع) در این قضیه حکم می‌دهد که هر یک از دخترکان ضامن یک‌سوم دیه هستند و بنابراین اولیاء دخترک متوفی می‌توانند دوسوم دیه را مطالبه کنند و از دریافت یک‌سوم دیه هم محروم‌اند؛ زیرا خسارت در اثر فعل هر سه نفر آنان پدید آمده که متوفا هم در آن مشارکت داشته و در واقع در وقوع خسارت نقش داشته است (السرخسی، بی‌تا، ۱۶).

۲-۵-۱- مسلح کردن منجیق: اگر سه نفر با یکدیگر منجیقی را مسلح کنند و آن‌گاه سنگ پرتاب شده برگشته به یکی از آنان اصابت کند و او را بکشد عاقله افراد بازمانده باید ثلث دیه را به ورثه متوفی بدهند و ثلث دیه هم بر عهده متوفی است که ورثه متوفی نمی‌تواند آن را مطالبه کنند؛ زیرا خسارت در اثر فعل هر سه نفر روی داده و به هر سه نفر آنان منتسب است؛ بنابراین در ازای فعل مقتول نمی‌توان دیگر شریکان را ضامن دانست. به دیگر سخن، حکم به جبران خسارت کامل زیان‌دیده یا بازماندگان او در این فرض موجب نادیده انگاشتن اثر کار زیانبار او در وقوع خسارت است. بدین ترتیب نمی‌توان بر آن شد که دو شریک بازمانده یا عاقله آنان بالمناصفه مسئول پرداخت دیه هستند (ابن‌قدامه المقدسی، بی‌تا، ۵۵۹-۵۶۰).

۳-۵-۱- همکاری در تخریب دیوار: در صورتی که سه نفر با کمک همدیگر دیواری را خراب کنند و دیوار بر روی یکی از آنان فرو ریزد و او را بکشد، هر سه شریک ضامن هستند، همان‌گونه که اگر دیوار بر روی عابری بریزد و او را بکشد نیز چنین است. در واقع در هر دو مورد چون خطا به فعل هر سه منتسب است ضامن شناخته می‌شوند (السرخسی، ۱۴).

۴-۱-۵- ریزش چاه به هنگام حفر: در صورتی که چهار نفر با کمک هم مشغول حفر چاهی شوند و در اثر ریزش چاه یکی از آنان بمیرد، هر کدام از شریکان بازمانده باید یک چهارم دیه را به اولیاء متوفی بپردازند و اولیاء متوفی از گرفتن یک چهارم دیه محروم‌اند؛ زیرا چاه در اثر فعل چهار نفر ریزش کرده است.

در واقع، هر چهار نفر در وقوع یک فعل زیان بار مباشرت و مشارکت داشته‌اند؛ از این رو مسئولیت نیز میان آنان تقسیم می‌گردد؛ یعنی هر یک از شریکان زنده باید یک چهارم دیه را به اولیاء متوفی بپردازند و اولیاء متوفی نسبت به سهم متوفی در وقوع خسارت که یک چهارم است، از گرفتن آن محروم‌اند (السرخسی، ۱۶).

۵-۱-۵- خسارت ناشی از بازی کودکان: چنانچه دو کودک به هنگام بازی با یکدیگر برخورد کنند و یکی از آنان، دیگری را بر زمین بزند و استخوان ران کودک بشکند و درمان هم نشود به گونه‌ای که دیگر مانند گذشته نتواند راه برود، در این صورت، عاقله کودک خطاکار باید ۵۰۰ دینار به کودک مصدوم بپردازد؛ زیرا دیه و خسارت پیش‌بینی شده ۱۰۰۰ دینار است که ۵۰۰ دینار آن به خاطر نقش فعل مصدوم در بروز خسارت کسر می‌شود. بنابراین عامل زیان باید نیمی از دیه را بپردازد (سراج، ۲۲۵).

۶-۱-۵- فروش چاقو به کودک: برخی از صاحب‌نظران مصداق دیگری به موارد پیش‌گفته افزوده‌اند که چندان با تقصیر زیان دیده سازگاری ندارد: اگر مردی به کودکی چاقویی بفروشد یا بدهد و کودک، خودش را با چاقو بزند یا بدون اذن دیگری با چاقو ضربه‌ای به او بزند، در اینکه دهنده چاقو به کودک ضامن است یا نه، فقیهان حنفی جانب عدم ضمان را گرفته‌اند. به باور آنان، عمل کودک رابطه سببیت میان فعل فروشنده چاقو و خسارت به بار آمده را قطع کرده، کودک خود به تنهایی در وقوع خسارت نقش داشته است، در حالی که به باور برخی، ابوحنیفه، پیشوای حنفیان، این مورد را از مصادیق تقصیر مشترک دانسته است (سراج، ۲۲۶).

۲-۵- فقه شیعه: مصادیقی که در فقه شیعه برای تقصیر زیان دیده می‌توان برشمرد همانند مصادیق گفته‌شده در فقه اهل سنت است؛ از این رو تنها به برخی از مصادیق اختلافی

اشاره می‌شود.

۱-۲-۵- مسئله منجنيق: چنانچه ده نفر با یکدیگر سنگی در منجنيقی بگذارند و پس از رها کردن و شلیک، سنگ برگشته به یکی از آنان و یا به بیگانه‌ای اصابت کند و او را بکشد، همه افراد مسئول‌اند و خسارت واردآمده به زیان‌دیده را باید جبران کنند. بدین گونه که اگر بیگانه‌ای در اثر برخورد سنگ کشته شود، همه افراد گروه مسئول‌اند و باید به جبران خسارت از زیان‌دیده اقدام کنند. به دیگر سخن، هر یک از افراد گروه، یک‌دهم دیه را باید بپردازند؛ در واقع، همگان در بروز خسارت به یک اندازه نقش داشته‌اند و ترجیح یکی بر دیگری در پرداخت خسارت محال است و به معنای نادیده گرفتن نقش او در مسئولیت و گذاردن بار گناه مسئول بر دوش دیگری است.

حال اگر یکی از افراد گروه در اثر برخورد سنگ رها شده بمیرد نیز هریک از افراد گروه به اندازه یک‌دهم مسئول‌اند و ورثه متوفی برای گرفتن نه دهم خسارت می‌تواند به نه نفر بازمانده حادثه رجوع کند؛ زیرا متوفی نیز خود در وقوع خسارت نقش داشته است؛ ازاین‌رو ورثه او نمی‌توانند یک‌دهم خسارت را مطالبه کنند و بالاخره اگر سنگ رها شده همه افراد گروه را از پای درآورد، ورثه هریک از متوفیان تنها برای مطالبه نه‌دهم خسارت حق رجوع به نه نفر دیگر را دارند و نه بیشتر؛ چه سهم تقصیر هریک از عاملان زیان در بروز خسارت مشخص نیست و نمی‌توان یکی از افراد مثلاً گذارنده سنگ یا رهاکننده آن را مباشر و مقصر دانست و همه خسارت را از او مطالبه کرد. در واقع، این فرض را با فرضی که فردی تیر را در چله کمان می‌گذارد و صاحب کمان با کشیدن کمان و شلیک تیر، دیگری را از پا در می‌آورد یا مجروح می‌سازد نباید یکسان انگاشت و بر آن شد که رهاکننده سنگ ضامن است (شیخ طوسی، بی‌تا، ۱۶۶).

۲-۲-۵- مشارکت در تخریب دیوار: در صورتی که سه نفر در تخریب دیواری با یکدیگر همکاری و مشارکت کنند و دیوار بر روی یکی از آنان خراب شده، او بمیرد نیز میان فقیهان درباره میزان مسئولیت عاملان حادثه اختلاف پدید آمده است.

الف) ضامن بودن دو شریک بازمانده: برخی فقیهان فقط دو شریک بازمانده را ضامن

پرداخت خسارت به بازماندگان متوفی می‌دانند؛ زیرا به باور آنان خسارت در اثر فعل دو شریک بازمانده پدید آمده است و آنان در قبال فعل خود ضامن‌اند و هرکدام باید به اولیاء شریک متوفی نیمی از دیه را بپردازند و روایتی نیز بر صحت این دیدگاه نقل شده است که همین روایت نیز زمینه اختلاف نظر را پدید آورده است؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «اگر سه نفر در خراب کردن دیواری با هم مشارکت داشته باشند و دیوار بر روی یکی از آنان خراب شود و او بمیرد، بازماندگان ضامن دیه متوفی هستند؛ زیرا هریک از بازماندگان در برابر رفیق خود ضامن‌اند» (الحرالعالمی، ۱۳۶۷، ۱۷۵). مطابق این روایت، شریکان بازمانده ضامن پرداخت دیه کامل هستند و باید بالمناصفه دیه را به اولیاء متوفی بپردازند. روایت هرچند ظهور در این معنا دارد، ولی صراحت در آن هم ندارد. از این روست که برخی از فقیهان احتمال داده‌اند که شاید بتوان چنین حکمی را از روایت استنباط کرد (طباطبایی، ۴۱۴-۴۱۵).

ب) ضامن بودن هر سه نفر: برخی دیگر از فقیهان نیز برآن‌اند که دو شریک بازمانده هر کدام ثلث دیه را به اولیاء متوفی باید بپردازند و متوفی نیز ضامن ثلث آن است؛ زیرا متوفی (زیان دیده) در تلف کردن خود با دیگران مشارکت داشته و در این راستا همکاری کرده است. بنابراین در ازاء فعل زیان بار خود نیز نمی‌تواند جبران خسارت بخواهد. به دیگر سخن، حکم به جبران خسارت کامل زیان دیده بدان معناست که شریک، ضامن فعل زیان بار شریک خود نیز باشد که چنین برداشتی با آیه شریفه «لاتزرر وازره وزر اخری» (سوره فاطر، آیه ۱۸) ناسازگار است.

افزون بر این از یک سو روایت پیش گفته به دلیل وجود علی بن ابی حمزه واقفی مذهب^۱ در سلسله سند آن ضعیف است و نمی‌توان بدان در استنباط احکام شرعی توسل جست (فاضل آبی، ۱۴۱۷، ۶۴۲)، از سوی دیگر، در روایت تنها بر ضامن بودن دو شریک زنده در قبال متوفی تأکید شده است و روایت درباره اینکه دو شریک بازمانده باید دیه کامل

۱ - قَضَى امير المؤمنين (ع) في حائطٍ - اشترَكَ في هذِهِ ثَلَاثَةُ نَفَرٍ فَوَقَعَ عَلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ - فَمَاتَ الْبَاقِيَيْنِ دِيَّتَهُ - لِأَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا ضَامِنٌ لِصَاحِبِهِ.

۲ - واقفیان پیروان علی بن ابی حمزه بطاننی بودند که تنها تا امامت امام کاظم (ع) را پذیرفته و امامت امام رضا (ع) و دیگر امامان را نپذیرفتند.

را به اولیاء متوفی بپردازند، دلالتی ندارد. پس باید بر آن بود که هر شریک، ضامن ثلث دیه و خسارت است.

مطابق اصول حقوقی نیز خسارت در اثر فعل هر سه شریک پدید آمده است و مطابق ادله موجود هریک از شرکاء ضامن ثلث دیه هستند پس ضامن دانستن یک یا دو نفر آنها به منزله نادیده گرفتن سهم تقصیر زیان‌دیده در بروز خسارت است. بدین ترتیب در چنین مواردی خسارت میان همه افراد خطاکار و از جمله زیان‌دیده باید توزیع و تقسیم گردد و زیان‌دیده یا وارثان او نمی‌تواند خسارت وارد بر خود را به اندازه‌ای که خود در وقوع آن نقش داشته است مطالبه کند تا ثمره فعل زیان بار خود را چیده باشد و بقیه افراد نیز هر کدام نسبت به سهم خود باید خسارت‌های واردآمده به زیان‌دیده را جبران سازند (خویی، ۳۰۱ و ابن‌ادریس الحللی، ۳۷۷).

البته شیخ طوسی با آنکه این روایت را ضعیف دانسته، مطابق آن حکم داده است و بر آن شده که هریک از دو شریک بازمانده، نیمی از خسارت را به اولیاء متوفی باید بپردازند (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۶۴). ولی شیخ خود در جایی دیگر، خلاف این دیدگاه حکم می‌دهد و از عمل به روایت دست می‌کشد؛ شیخ طوسی در کتاب مبسوط به بررسی این مسئله می‌پردازد که چنانچه ده نفر سنگ در متجیقی بگذارند و آن را مسلح کنند، ولی سنگ پس از رها شدن برگشته به یکی از آن ده نفر اصابت کند و او را بکشد، نه نفر بازمانده هر کدام به اندازه سهم خود در جنایت مسئول پرداخت خسارت‌اند و یک‌دهم خسارت را به اولیاء متوفی باید بپردازند و یک‌دهم آن نیز بر عهده خود متوفی است که از شریکان بازمانده قابل مطالبه نیست؛ زیرا متوفی نیز در وقوع خسارت نقش داشته است (شیخ طوسی، بی‌تا، ۷، ۱۶۶).

۳-۲-۵- بررسی ماجرای قامصه در فقه شیعه: داستان سه دختری که در بازی با هم به نوبت بر پشت یکدیگر سوار می‌شدند نیز در فقه شیعه موجب اختلاف شده است: دو دخترک با یکدیگر بازی می‌کنند و برای سرگرمی و تفریح، یکی آن دیگری را بر دوش می‌گیرد و سواری می‌دهد. دختر سوم از راه رسیده، سواری‌دهنده را غلغلک می‌دهد که در نتیجه

دخترک سواری دهنده از جا دررفته، آن را که بر دوش گرفته می‌اندازد و گردنش شکسته، می‌میرد. این ماجرا در یمن برای امام علی(ع) باز گفته می‌شود که امام (ع) دخترکان را ضامن می‌داند. با وجود این در چگونگی تفسیر روایت میان فقیهان اتفاق نظر وجود ندارد و نحوه تقسیم مسئولیت میان اسباب دخیل در بروز خسارت در میان فقیهان اختلافی است.

۱-۳-۲-۵- برخی از فقیهان برآنند که دو دختر زنده بالمناصفه ضامن اند و باید هر کدام نیمی از خسارت را به اولیاء متوفی بپردازد؛ زیرا در روایتی که از طریق ابوجمیله نقل شده امام علی (ع) درباره دخترکی که دیگری را بر دوش گرفته بود و آن دیگری (دخترک سوم) سواری دهنده را غلغلک داد و او از جا دررفته، دخترک سوار بر پشت خود را افکنده و در نتیجه آن، دخترک سواری گیرنده مرد چنین قضاوت کرد: سواری دهنده و غلغلک دهنده، هریک نیمی از دیه دخترک متوفی را باید بپردازند^۱ (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ۱۶۹-۱۷۰ و شیخ طوسی، ۱۴۱۳، ۲۱۳، ح ۹۶۰).

این دیدگاه در فقه شیعه پیروان چندانی ندارد؛ زیرا مبنای دیدگاه (روایت پیش گفته) ضعیف است و در سلسله سند روایت ابوجمیله قرار دارد که به گفته مشهور، راوی ضعیفی است؛ از این رو برخی از صاحب نظران برای جبران ضعف آن به شهرت متوسل شده‌اند. با وجود این، برخی دیگر این تحلیل را پذیرفته برآنند که روایت قطع نظر از ایراد پیش گفته برکنار از انتقاد نیست. به باور این دسته حتی اگر پذیرفته شود که ضعف روایت با عمل مشهور جبران می‌گردد، روایت با اصول پذیرفته شده در فقه ناسازگار است (الموسوی الخویی، ۱۴۲۲، ۲۹۰-۲۹۱). چنین می‌نماید که این دسته با استناد به قاعده اتلاف، تنها دخترک غلغلک دهنده را مباشر تلف دانسته، تلف را مستند به فعل او می‌دانند؛ از این روست که روایت را با اصول ناسازگار یافته‌اند.

۲-۳-۲-۵- برخی دیگر از فقیهان برآنند که هر کدام از دخترکان ضامن ثلث دیه هستند و باید یک سوم دیه را به اولیاء متوفی بپردازند و اولیاء متوفی هم از گرفتن ثلث دیه

۱ - «روی عمر بن عثمان عن ابی جمیل (المفضل بن صالح) عن سعد الاسکاف عن الاصبغ ابن نباته قال: «قضی امیرالمؤمنین فی جاریه فنسخها جاریه اخری فقمصت المرکوبه فصرت الراكبه فمانت فقضی بدیتها نصفین بین الناحسه و المنخوسه».

محرومند و نمی‌توانند آن را مطالبه کنند؛ زیرا خسارت مستند به فعل گروه و همه افراد است؛ بنابراین خسارت باید میان همه افراد شرکت‌کننده در زیان توزیع و تقسیم شود. پس از سویی، تحمیل خسارت بر یک یا دو نفر ترجیح بلامرغ است و از سوی دیگر با عدالت سازگار نیست؛ زیرا نادیده گرفتن تأثیر خطای زیان‌دیده در وقوع خسارت به مثابه‌گذاران بار گناه دیگری بر دوش شریک فرد زیان‌دیده است که مطابق نص صریح قرآن ممنوع است و هرکس باید بار خطای خود را بر دوش کشد.

افزون بر این، امام علی (ع) در یمن چنین حکم کرد و هریک از دخترکان را ضامن ثلث دیه دانست و چون خبر این داوری به پیامبر رسید، آن را تأیید کرد و بالاخره، برخی از صاحب‌نظران این دیدگاه را با اصول سازگار دانسته و بدان حکم داده‌اند.

با وجود این، برخی نیز برآن‌اند که مبنای این دیدگاه مرسل است و نمی‌توان بدان استناد و احتجاج کرد (الحرالعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۹، ۱۷۹، طباطبایی، ۱۴۱۲، ۴۱۱-۴۱۲).

۳-۲-۵- فخرالمحققین فرزند علامه حلی در *ایضاح الفوائد* بر آن است که تنها دخترک سوم (غفلک‌دهنده) ضامن همه خسارت است و باید دیه متوفی را بپردازد؛ زیرا خسارت تنها مستند به فعل اوست و نه دیگری. طباطبایی نیز این دیدگاه را قوی و متین می‌داند مشروط بر آنکه با گفته مشهور میان اصحاب مخالفتی نداشته باشد. او در ادامه به اختلاف نظر موجود در میان فقیهان اشاره می‌کند که هرکدام توجیهی برای گفته خود آورده و روایت‌ها را تفسیر کرده‌اند (همان، ۴۱۲-۴۱۳ و ابن‌ادریس الحلی، ۳۷۴، شهید ثانی، ۱۳۲-۱۳۷، الموسوی الخویی، ۱۴۲۲، ۲۹۰-۲۹۲).

۴-۲-۵- تصادم دو نفر: اگر دو سوار با یکدیگر تصادم کنند و در اثر تصادم مرکبشان تلف شود، هریک از دو نفر ضامن نیمی از قیمت مرکب‌ها هستند و اگر در اثر تصادم، دو سوار بمیرند، اولیای آنان می‌توانند نیمی از خسارت را از طرف مقابل مطالبه کنند؛ زیرا خسارت در اثر فعل هر دو سوار به بار آمده است و به دیگر سخن، خسارت در اثر فعل زیان‌باری پدید آمده که هر دو سوار در آن سهیم بوده‌اند. بنابراین هرکدام از دو سوار تنها در ازای نیمی از خسارت مسئول‌اند و نیمی دیگر به‌خاطر تأثیر عمل خودشان در وقوع خسارت

است که حق مطالبه آن را ندارند (الموسوی الخویی، ۲۸۳ - ۲۸۴ و النجفی، ۱۳۶۷، ۱۱۰ - ۱۱۲).

۶- نتیجه گیری

بررسی دیدگاه‌های فقیهان در لابه‌لای کتاب‌های فقهی آشکار می‌سازد که هرچند در فقه «اقدام» به‌عنوان یک قاعده فقهی مطرح شده و فقیهان بدان پرداخته‌اند و اقدام زیان‌دیده به‌عنوان یک عامل رافع مسئولیت به‌شمار آمده است، ولی این بدان معنا نیست که فقیهان، تقصیر زیان‌دیده را نادیده انگاشته باشند و همانند حقوق‌رم در صورتی که تقصیر زیان‌دیده و عامل ورود زیان هر دو در وقوع خسارت سهیم باشد، زیان‌دیده از مطالبه کامل خسارت محروم می‌باشد.

به دیگر سخن، آنچه فقیهان به‌عنوان یک قاعده فقهی بدان پرداخته‌اند ناظر به جایی است که اقدام زیان‌دیده، یگانه عامل ورود خسارت باشد. در این صورت است که فقیهان زیان‌دیده را مستحق مطالبه و دریافت خسارت ندانسته‌اند، ولی در صورتی که تقصیر زیان‌دیده در کنار تقصیر دیگری در بروز خسارت نقش داشته باشد، سهم عامل ورود زیان و زیان‌دیده در وقوع خسارت را نادیده نگرفته‌اند؛ زیرا در نظام حقوقی‌ای که بر پایه نص صریح قرآن هرکس باید تاوان خطای خود را بر دوش کشد (لاتزر وازره وزر اخری)، چگونه ممکن است که سهم خطاکاری که با زیان‌دیده خسارتی پدیدآورده باشند فراموش شده باشد؟ بنابراین تقصیر زیان‌دیده در فقه نیز مطرح بوده و فقیهان بدان توجه داشته‌اند.

افزون بر این، معیار تقسیم مسئولیت میان زیان‌دیده و عامل ورود زیان در فقه تنها تقسیم مسئولیت به صورت مساوی نیست و چنین می‌نماید که در فقه معیار تقسیم مسئولیت بر اساس میزان تأثیر یا نحوه مداخله هریک از اسباب در وقوع خسارت نیز هست، ولی تنها آنچه به قوانین راه یافته، حکم یک مصداق خاص (تصادف دو وسیله نقلیه موضوع ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) است و همین مصداق هم بیانگر تقسیم مسئولیت بر اساس میزان تأثیر هریک از اسباب در بروز خسارت است. به دیگر سخن از آنجایی که ارجاع به کارشناسی و تعیین میزان تأثیر اسباب در بروز خسارت به شیوه امروزین

در میان فقهای پیشین متداول نبوده است آنان فقط با توجه به مشارکت تعداد افراد در وقوع خسارت فتوا داده‌اند که در واقع مصداقی از تقسیم مسئولیت بر اساس نحوه مداخله است و البته دامنه این نوع تقسیم مسئولیت را فقط باید محدود به جایی ساخت که به هیچ وجه نتوان میزان تقصیر اطراف دعوا در وقوع خسارت را تعیین کرد یا میزان تأثیر همه اطراف و اسباب برابر و یکسان باشد. نگاهی به نمونه‌های بررسی‌شده در فقه (موضوع منجیق، داستان تخریب دیوار و مانند آن) نیز روشن می‌سازد که در فقه با توجه به شرایط زمانی و مکانی و محدودیت‌های موجود به نحوه مشارکت و مداخله افراد در بروز زیان توجه شده است و در همه آنها این مهم مورد توجه و دقت بوده که چنانچه بیش از دو نفر در بروز خسارت سهیم باشند نحوه تقسیم مسئولیت ثلث و ربع و ... خواهد بود. بنابراین در فرضی که تنها دو نفر در وقوع خسارت مسئولیت داشته باشند و سهم تقصیر هریک را در بروز خسارت نتوان تشخیص داد، طبیعی است که حکم به جبران خسارت به صورت مساوی عادلانه خواهد بود و در صورت افزایش تعداد مقصران به سه یا چهار یا پنج نفر و ... باید نخست میزان تأثیر عمل آنان در وقوع خسارت توسط کارشناس تعیین شود و اگر تعیین آن غیرممکن باشد و یا میزان تأثیر به یک اندازه باشد نحوه تقسیم مسئولیت ثلث، ربع، خمس و ... خواهد بود. با وجود این، دیوان عالی کشور برخلاف دادگاه‌های بدوی در مقام ایجاد وحدت رویه، حکم به تقسیم مسئولیت به طور مساوی داده است و معلوم نمی‌سازد که در چنین صورتی تعیین کارشناس و ارجاع مورد به کارشناس چه نقشی دارد. به دیگر سخن هنگامی که باید حکم به تساوی مسئولیت داده شود، ارجاع دعوا به کارشناس معنایی ندارد.

منابع

الف) فارسی

- ۱- استون، فردیناند اف (۱۳۵۰)، *نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده آمریکا*، ترجمه دکتر سیدحسین صفایی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- ۲- اسماعیل‌آبادی، علیرضا و محمدحسن رضوی (زمستان ۱۳۸۶)، *مطالعه تطبیقی قاعده رضایت زیان‌دیده و اقدام (در نظام حقوقی کامن‌لا و اسلام)*، فقه و حقوق، س ۴، ش ۱۵.
- ۳- جنیدی، لعیا (زمستان ۱۳۷۸)، *تقصیر زیان‌دیده*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۴۶.
- ۴- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۶)، *مسئولیت مدنی در فقه امامیه*، میانی و ساختار، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۵- ژوردن، پاتریس (۱۳۸۲)، *اصول مسئولیت مدنی*، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، تهران، میزان.
- ۶- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، *حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران و همچنین ۱۳۸۴، ج ۱.
- ۷- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، *مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۸- کاظمی، محمود (زمستان ۱۳۸۴)، *آثار تقصیر زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی*، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)، ش ۲۸.
- ۹- وینه، ژنویو و پاتریس ژوردن (۱۳۸۸)، *تقصیر زیان‌دیده در حوادث رانندگی*، مترجم: مجید ادیب، کانون، ش ۱۰۱، ص ۹۹-۱۳۱.
- ۱۰- _____ (۱۳۸۴)، *همراهی فعل منتسب به خواننده و فعل زیان‌دیده*، تحقیقات حقوقی، ش ۴۲، ص ۳۲۵-۳۷۴.

ب) منابع عربی

- ۱۱- ابن‌ادریس الحلّی، محمد (بی‌تا)، *کتاب السرائر*، محقق لجنه التحقیق، قم، مؤسسه النشر

- الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم، ج ٣.
- ١٢- ابن قدامه المقدسى، موفق الدين ابى محمد عبدالله بن احمد بن محمود و شمس الدين ابى الفرج عبدالرحمن بن ابى عمر محمد بن احمد بن قدامه المقدسى (بى تا)، *المغنى و الشرح الكبير*، بعنايه جماعه من العلماء، بيروت، دارالكتاب العربى، الجزء التاسع.
- ١٣- الحر العاملى، محمد بن الحسن (١٣٦٧ شمسى)، *وسائل الشيعه*، تحقيق الحاج الشيخ محمدالرازى، مع تعليقات الشيخ ابى الحسن الشعرانى، تهران، مكتبه الاسلاميه، الجزء التاسع عشر.
- ١٤- سراج، محمد احمد (١٤١٠ / ١٩٩٠)، *ضمان العدوان فى الفقه الاسلامى*، القايره، دارالثقافه للنشر و التوزيع.
- ١٥- السرخسى، شمس الدين (بى تا)، *المبسوط*، بيروت، دارالمعرفه للطباعه و النشر، ج ٢٧.
- ١٦- سنهورى، عبدالرزاق احمد (١٣٨٤)، *دوره حقوق تعهدات: منابع تعهد*، ترجمه سيد مهدي دادمرزى و محمدحسين دانش كيا، قم، دانشگاه قم، ج ٢.
- ١٧- شيخ صدوق (ابوجعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه قمى) (١٣٦٣ / ١٤٠٤)، *من لا يحضره الفقيه*، علق عليه على اكبر الغفارى، قم، منشورات جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه، الجزء الرابع.
- ١٨- شيخ طوسى (ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسى) (١٤١٣ / ١٩٣٣)، *تهذيب الاحكام*، تحقيق الشيخ محمد جواد الفقيه، بيروت دارالاضواء، الجزء العاشر.
- ١٩- _____ (١٤٠٠ / ١٩٨٠)، *النهايه فى مجرد الفقه و الفتاوى*، بيروت، دارالكتاب العربى، الطبعة الثانيه.
- ٢٠- _____ (بى تا)، *المبسوط فى فقه الاماميه*، صحح و علق عليه محمدباقر البهبودى، تهران، عنيت بنشره المكتبه المرتضويه لاحياء الآثار الجعفريه، ج ٧.
- ٢١- شهيد ثانى (زين الدين الجيعى العاملى) (بى تا)، *الروضه البهيه*، تصحيح و تعليق سيد محمد كلانتر، بيروت، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، ج ١٠.

- ۲۲- طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۲ / ۱۹۹۲)، *ریاض المسائل*، تحقیق هیئته التألیف و التحقيق و الترجمة فی دارالهادی، بیروت، دارالهادی، ج ۱۰.
- ۲۳- فاضل آبی (حسن بن ابی طالب یوسفی) (۱۴۱۷)، *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ج ۲.
- ۲۴- المرآی، میرعبدالفتاح (۱۴۲۵)، *العناوین*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲.
- ۲۵- الموسوی الخویی، السیدابوالقاسم (۱۴۲۲)، *مبانی تکلمه المنهاج*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، الجزء الثاني.
- ۲۶- النجفی، محمدحسن (۱۴۱۲ / ۱۹۹۲)، *جواهرالکلام*، تصحیح و تعلیق رضا الاستادی، تهران، المکتبه الاسلامیه، الجزء ۴۲.

ج) منابع انگلیسی

- 1- Bohlen, Francis H., (Feb., 1908), *Contributory Negligence*, Harvard Law Review, Vol. 21, No. 4, p. 233-260, URL: <http://www.jstor.org/stable/1324733>
- 2- Fridman, G.H.L (1999), *Torts*, London, Water Low Publishers.
- 3- Harpwood, Vivienne (2009), *Modern Tort Law*, 7th edition, London, Cavendish Publishing Limited.
- 4- Golobardes, Mireia Artigot i and Fernando Gómez Pomar (2009), *Contributory and comparative negligence in the law and economics literature* in: "Tort Law and Economics", Edited by Michael Faure, Edward Elgar, Cheltenham, UK.
- 5- Harvey, Barbara and Johnn Marston (2000), *Cases and Commentary on Tort*, London, Pearson Education Limited.
- 6- James, Fleming (Apr., 1953), *Contributory Negligence*, The Yale Law Journal, Vol. 62, No. 5, pp. 691-735, URL: <http://www.jstor.org/stable/793502> .Accessed: 2011/ 12/ 23.
- 7- Kratzke, William P., *A Case for a Rule of Modified Comparative Negligence*, University of Memphis – School of Law, Research Paper No. 88, URL: <http://ssrn.com/abstract=1718041>, available

at: 2011/12/28.

- 8- Markesinis, Basil S. and Hannes Unberath (2002), *The German Law of Torts A Comparative Treatise*, Hart Publishing, Oxford and Portland.
- 9- Mikell, William E.(Jun., 1920) *Contributory Negligence and "Last Clear Chance"*, University of Pennsylvania Law Review and American Law Register, Vol. 68, No. 4, pp. 377-380.
- 10- Murthy, A.R.K (1991), *guptas compensation claims*, 4th edition, Hyderabad, Asia Law House.
- 11- Padfield, C.F (1989), *Law Made Simple*, 7th edition, Oxford, Made Simple Books.
- 12- Prosser, William L (1971), *Handbook of the Law of Torts*, 4th edition, St. Paul, west publishing co.
- 13- Schofield, William (Jan. 15, 1890), *Davies v. Mann: Theory of Contributory Negligence*, Harvard Law Review, Vol. 3, No. 6, pp. 263-277, URL: <http://www.jstor.org/stable/1321906> .Accessed: 2011/ 12/ 23.
- 14- Schwartz, Gary T. (March1978), *Contributory and Comparative Negligence: A Reappraisal*, The Yale Law Journal, Vol. 87, No. 4, pp. 697-727, URL: <http://www.jstor.org/stable/795606> .Accessed: 2011/ 12/ 23.
- 15- Zimmermann, R. (1990), *The Law of Obligations: Roman Foundations of the Civilian Tradition*, jutaonline. Co. za.